

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در بیان خوبی سبایح حسن و القبح و آیه نیکوگویی که در کتاب کرامت و العین



Checked  
1987

سبایح و شایسته نامی و غیره تقدیر و تأثیر و غیره و شایسته نامی

و در کتاب کرامت و العین و غیره و شایسته نامی و غیره

سيرة الامير المؤمنين عليه السلام

الحمد لمن صبغ قلوب المؤمنين بصفتهم والصلوة على من رزقناه الذي نرتد  
 اقتداء للسالكين بلواجرهم كما نرتد على اولادنا وحببه الكرماء الطمأنينة  
 يدركه بن رسالته است درنگ کردن شایب از عید العید نصر الله خان محمید  
 الاحمدی انجورجوی رحمة الله القوی که برای تسبیل کارزار با بروج آوردن می است  
 که از اهل مسقط تا بخلت کتابی الی یومنا بنادرین باب دیده نشد و الله القدره بخش بر گزیده گان  
 این کاشف ویران قبول نظر خاصان خویش گرداند و اعمی است و اب و ساند آیین تا شمس  
 ثمر الضیاعین کرم تا هر عامل آن در رنگ کردن شوی با بد و هر کار گیر در تصبیح بخدمت  
 شتابی الله ولی التوفیق صبغة الله و من احسن من الله صبغة الله و احسن من الله  
 عابدون فصل اول در رنگ کردن پادشاه سپاه در نیل محمود علی پادان ابادانیه  
 که هم عمارت و هم چاه در رضی الله عنهم در شواحنه مسدود و محط اوی است  
 خولک نازب لبس السواد حبه او عمامه او مرداء الحدیث بدل علیه کوفی المسیر الکبیر

در  
 تمام



در آب بنامیده در روزی بار چیدار گین سازد و آب انگ صاف کرده خشک کرده در گلاب  
که جوشانده باشد و آب سبز انگه از دو بعد از این کنگ در بعد همان آب اسپال را در  
که داشته بود پس خشک کرده و ذاک بنامید که سائیده در آب نو بد بد در آب زاک داده بد بد سوزان  
انویه خواهد شد و دیگر رنگ سبز انبوه در روزی در چه بار در چه خوب بیخ فلوس اسپال با  
بوزن نیم فلوس زاک بوزن دو فلوس اول در خوب و در صاف کند بعد از این اسپال را  
جوشانده صاف کرده و رنگ دهد و آب اسپال را نگاه دارد بعد از این گیر و در بعد همان آب  
اسپال که داشته بود بعد از این زاک آب نو بد بد بعد از این در آب زاک داده و در سبز انبوه خواهد  
و دیگر اسپال و مچاله برابر بر در راه جدا جدا بچاشند و بچاشند و در آب جود و کما  
با هم اینها رنگ کند و دیگر انبوه کنگش می رسد و خوب بچاشند که رنگ سرخ باشد یک یا دو آن  
پاره پاره کرده در آفتاب اندکی خشک کند پس آنرا در آب چهار تا پنج سح بولی گل صدف رنگی در سنگها  
و گل تن که مرکب دود و تولد در پارچه بسته باشند بچاشند هر گاه که خوب بچاشند از آتش فرود آورده  
سرد کنند و در روزی بار چه را اول در یک تولد شویف که خوب در آب در محجج سائیده باشند رنگین سازد  
و خشک نماید بعد در آب جوشانده صاف کرده رنگین نماید و خشک کرده باستعمال آن در آفتاب  
و بی پرشاد صاحب کالیست سری با سبب متوطن قصبه لبوان ضلع سینه چوبه دیگر از آنجا  
مداج است اسپال و مچاله مساوی وزن هر دو را جوکوب نموده بشب در آب که هست در  
رنگ باشد تر نماید و صبح جوش دهد پس صاف نموده نگاه دارد اول بچاشند را خوب با رنگ  
ساخته در آب حل کند و چاشند و در این آب تر کرده خشک نماید بعد در آب مطبوع مصفی غوطه دهد  
که رنگ انبوه سبز خواهد شد اگر بجه از شوب در آب نیل غوطه داده و در آب مطبوع غوطه دهد و غوطه  
خواهد شد فصل چهارم در رنگ بلوسی بیل بول نیم آنرا چشمه با دانه گسینس کدیم بچاشند دام  
بجای و مچاله را اول جوکوب نموده شب در آب تر کرده و صبح جوش دهد و آب انگه باشد که در سبز  
رنگ توان کرد اول بار چه را در آب صاف بچاشند شوب داده خشک نموده در نیمه اول آن رنگ

طریقه کنگش و مچاله  
بسیار است

طریقه کنگش و مچاله  
سبز

در رنگ کردن در صورتی که آنی بر روی او کم کسین سائیده در فصل شود رنگ کشتند و  
 باغچه و طبیعت بر وقت که او اجزا که در او در غلظت و بند باز آید رنگ طوسی کسین اول خواهد شد  
 بخش نهم از طبیعت دریم با قرص میوه و کسین چهارم میوه اجزش کرد رنگ سیدریند  
 دیگر پوست بون بیدانه که حاصل چهارم جوگوب نموده شب در آب تر کرده صبح شام اولی چ  
 را با چغری دوم داد رنگ نماید یکدم کسین بیان رنگ اینها با غلظت و بند رنگ طوسی اول خواهد شد  
 دیگر لعل عدده و اولی لکان آورد و با یک سائیده در آنی که لالی شب با چوب بود حل کرده و یکتاریف  
 تیار از رنگ دوم و در چرخ خشک کنند و آب تازه را در رنگ آب چوب در آورد کرده و گشت از  
 آن خود چهارم حصه و آب مذکور انداخته رنگ با فاخته می خواهد شد و چوب خشک کرده سه بار  
 پاست چهل جری آورده خوب با یک نموده در آب خوب جوش دهد هرگاه رنگ نذر و بیرون آید با رنگ  
 و نه خوب طوسی خواهد شد بعد از او در دیگر چانه را سه بار آورد و با رنگ بر آید و در آب بسیار تخم  
 شوب در پس آن آب سار کرده در آب دیگر اندک اندک گشت در آب بیدانه پاست گشت که با تخم چوب نموده  
 بسیار رنگ و در هر چرخ خشک کنند گری یک در مری آورد و در آب دیگر سائیده در پست صاف کنند  
 باز رنگ در خشک کنند و رنگند از او آب برون کولای و گشت برون یک و تخم شوس که را سائیده  
 در اندک آب تر که رنگند از او ان از ان خوب سائیده در آب بسیار مخلوط کرده صاف نموده و گشت  
 با گشت مخلوط نموده رنگ گری و در آب بکف دست بر هم زنند باز رنگ و در باز آب دور کرده  
 در نیمه ازین مایه در طوسی شود و دیگر طوسی مثل بسری خوشتر است چنانچه از او ظاهر از او جدا یک است  
 خورجی سائیده عالی چغری نیمه با برک سائیم با چغری زرد نیمه با چغری شمشک نیمه با چغری سیاه نیمه با اول  
 چغری در یک حنظل کوفته شب در آب شش سیرته داشته در ظرف کلی صبح چند جوش دهد و صافی کرده  
 نگاهدارد پس بیخ زرد و زرد چوب بزرگ سائیده در آب بسیار انداخته بنوعی رنگ کند که از این هر چه  
 نماند پس بیخ زرد و زرد سائیده خشک نماید و سائیده سیاه و زرد و زرد آبی در اندک آب انداخته آن  
 نماند در جوش بسیار شود رنگ چغری و صافی که از او نماند سائیده بنوعی خوشتر است و با چغری

این رنگ را در صورتی که  
 در فصل شود رنگ کشتند و  
 باغچه و طبیعت بر وقت که  
 او اجزا که در او در غلظت و  
 بند باز آید رنگ طوسی کسین  
 اول خواهد شد بخش نهم از  
 طبیعت دریم با قرص میوه و  
 کسین چهارم میوه اجزش کرد  
 رنگ سیدریند دیگر پوست بون  
 بیدانه که حاصل چهارم جوگوب  
 نموده شب در آب تر کرده صبح  
 شام اولی چ را با چغری دوم  
 داد رنگ نماید یکدم کسین بیان  
 رنگ اینها با غلظت و بند رنگ  
 طوسی اول خواهد شد دیگر لعل  
 عدده و اولی لکان آورد و با  
 یک سائیده در آنی که لالی شب  
 با چوب بود حل کرده و یکتاریف  
 تیار از رنگ دوم و در چرخ  
 خشک کنند و آب تازه را در  
 رنگ آب چوب در آورد کرده و  
 گشت از آن خود چهارم حصه و  
 آب مذکور انداخته رنگ با  
 فاخته می خواهد شد و چوب  
 خشک کرده سه بار با رنگ  
 بر آید و در آب بسیار تخم  
 شوب در پس آن آب سار کرده  
 در آب دیگر اندک اندک گشت  
 در آب بیدانه پاست گشت که  
 با تخم چوب نموده بسیار رنگ  
 و در هر چرخ خشک کنند گری  
 یک در مری آورد و در آب  
 دیگر سائیده در پست صاف  
 کنند باز رنگ در خشک کنند  
 و رنگند از او آب برون کولای  
 و گشت برون یک و تخم شوس  
 که را سائیده در اندک آب  
 تر که رنگند از او ان از ان  
 خوب سائیده در آب بسیار  
 مخلوط کرده صاف نموده و  
 گشت با گشت مخلوط نموده  
 رنگ گری و در آب بکف دست  
 بر هم زنند باز رنگ و در باز  
 آب دور کرده در نیمه ازین  
 مایه در طوسی شود و دیگر  
 طوسی مثل بسری خوشتر است  
 چنانچه از او ظاهر از او جدا  
 یک است خورجی سائیده عالی  
 چغری نیمه با برک سائیم با  
 چغری زرد نیمه با چغری  
 شمشک نیمه با چغری سیاه  
 نیمه با اول چغری در یک  
 حنظل کوفته شب در آب شش  
 سیرته داشته در ظرف کلی  
 صبح چند جوش دهد و صافی  
 کرده نگاهدارد پس بیخ زرد  
 و زرد چوب بزرگ سائیده در  
 آب بسیار انداخته بنوعی  
 رنگ کند که از این هر چه  
 نماند پس بیخ زرد و زرد  
 سائیده خشک نماید و سائیده  
 سیاه و زرد و زرد آبی در  
 اندک آب انداخته آن نماند  
 در جوش بسیار شود رنگ  
 چغری و صافی که از او نماند  
 سائیده بنوعی خوشتر است و  
 با چغری



فصل ششم در بیان رنگ کای بینی سبز اول نیل برای یک بره از زمانی بمقتضای نیم بول اوردن سبزه  
بعد از چهره را در آب شوی بعد از این در اسپال بوزن پنج یا شش نفوس بوقت شب خام در آب کوه  
نگار داشته صیقل کرده رنگ بعد از این رنگ سفید بوزن یک بول سائیده و رنگ دیگر با  
بعد بعد در همین آب با برابری و رنگ دیگر خواهد شد و سبزه و طریقه اوستی اختلافی نیست  
الاخضر فقیل لا یلیس لانه من لباس الشیطان و قال بعضهم یلیس لباسی الشیطان  
کأن احب الالوان الی رسول الله صلی الله علیه و سلم الخضرة و ثیاب اهل البیت الخضرة و یلیس  
صلی الله علیه و سلم البرد الاخضر و اقیل انه من لباس الشیطان لا یختمه و غیر رنگ  
سبز اول در نیل پارچه را رنگ کند بجهت در جو شانه زرد و خوب خطوط داده خشک نماید و اگر اسپغلی  
کوفته جوش داده پارچه بر نموده خطوط دهد و خشک ساخته آب بچکر می مالند که خوب سبز خواهد شد و غیر  
زرد و چوب بسیار باریک سائیده قدری آب بچکر می ریزد و میخورد پارچه را ساعتی در رو بگذارد و بعد آب با بول  
بشوی بعد از آن در دوغ ترش بچکر می سائیده در آن آب میخورد رنگ کند کای شود و دیگر پوست مرغ  
کنار صحرایی پاؤنار در آب یک آنار پاؤنار با لاشب نموده و صبح جوش دهد پس صاف نموده کسب رنگ سبزه کسب پس آن صاف  
نموده بقدر نیم دام جامه را در دوغ ترش خطوط دهد اگر کسبیش باده دهد رنگ باده شود از لادری بر شاد صفا مرد  
فصل ششم در بیان رنگ مروین و از لاده و در پارچه را نیل آفتاب دهد که سز او از رنگ مروین باشد  
بعد از این زرد و خوب بوزن شش نفوس سائیده به بر و پانچه راد آب صیقل کند بعد از این اسپال از  
پاؤنار جوش داده رنگ صفا کرده و در آب اسپال انگار در بعد از این انگار آب کسب دهد بعد از این در آب  
همان اسپال آنک سفید بوزن دو بول سائیده مخلوط نموده باز رنگ دهد و در همین آب باده دهد رنگ مروین  
اول خواهد شد و دیگر بطریق مروین فصل انبوه گذشته از اینجا باید گرفت و دیگر رنگ لایم و سخت انبوه یعنی کوبیل  
نیم پاؤنار در آب جوش دهند که باره هر باره رنگش صفا دهد و از ابتدا اول رنگ اول شوی با او فشرده خشک  
کند باز رنگ دوم رنگ کرده فشرده خشک نماید باز رنگ سوم سائیده بچکر می باریک سائیده در آن آب میخورد  
شوی پارچه را خوب داده فشرده خشک نماید که سبز مروین خواهد شد فصل هفتم در رنگ عاقل غالی



به کار آن گیر و بسیار آن اندر رنگ کرده آب یک تانۀ انداخته خوب بپزد و در هر گاه بود سه نوبت بخورد  
 و تن بدگور گداز شود رنگ آنرا گرفته نگاهدارد آب دیگر سوخته رنگ در آن انداخته در آن آب نیم گدازد  
 پارچه را رنگ و دیگر رنگ کم آید دیگر که نگاه داشته بود آنرا در همان رنگ و در باد می شود دیگر گل برشک  
 و قورد در آب جوش دهد بعد سه روز که در ظرف گلی خواست قلعی در نگاهدارد اولی بپزد اینک صند  
 رنگ خفیف کرده بعد در آب خالص بشوید بعد در عرق مسعد و گافدی بشوید و در آب سینه در آن پارچه  
 بشوید پس آنرا نشود خشک کند باز در رنگ گل برشکها رشوب اوده فشرده خشک کند که نهایت صده  
 بلوامی خواهد شد فصل یازدهم در رنگ فاختنی براسی یک تخمان قباد و دانه زوی بزرگ که سبز باشد و  
 سوراخ در آن نشده باشد و پر وزن بود آنرا جو کوب کرده در آنک آب تر کرده یکبار سگام دارد و بعد مسامیه  
 در آن قدری آب که پارچه در آن رنگ کرده شود انداخته مخلوط نموده رنگ دهد بعد در همان آب چهارم  
 از آنجو که گشت انداخته باز رنگ دهد که فاختنی شود فصل دوازدهم در رنگ خوب تخمان قباد بود آن  
 شش فلوس بسیار شش فلوس کل بچیل گسرد و سیاه کل بچیل دور کند و سرخی کل بچیل گسرد و سیاه کل بچیل  
 این هر سه جو کوب کرده در آب آغده که پارچه رنگین شود تر نموده در آن نگاهدارد بعد سه روز بر آتش خوب  
 جوش اده صاف کند اول پارچه را پیشگری اده خشک کرده در رنگ جوش اده صند رنگ دهد خوب بشود  
 و دیگر یک تخمان بسیار با آغده و جیش بود آن چهار فلوس هر دو را جو کوب نموده وقت شب آب  
 بقدر یک بلان پارچه رنگ کرده شود در آن انداخته تر کرده نگاهدارد صباح جوش اده رنگ در صاف  
 کرده نگاهدارد اول پیشگری بود آن دو فلوس پارچه اده خشک کند هر گاه که اندک نم در پارچه باشد  
 در رنگ صندقی بد که در صندق سازد که خوب خواهد شد فصل سیزدهم در رنگ اده پنجه پتنگ قدری جوش  
 در دانه خشک و آغده آب جوش اده صاف کرده پیشگری اده غوطه دم دیگر از غرضها قاصد لغضار  
 سیکس خورجی سله اندک برای پارچه اده زده گز باید که بسیار و بقم کتنگ شیرین بود یک آغده از این  
 کرده شب آب در اده آغده کند صباح آغده جوشند چون نصف سه صند کرده آن رنگ نگاهدارد و در  
 در آن چهار فلوس شیرین آغده جوشند چون نصف سه آغده صند کرده نگاهدارد از این پارچه در آن صند



بشکری سینه شش را سینه در آن پارچه نهند در آن شش فشرده گندمی خشک نموده بپوشند و در آن پارچه  
 با یک ساید بپوشانند در آن که فشرده شش بود و آن ساید پارچه را بر کند و در آن پارچه فشرده شش کرد  
 که ششش خود در آن ساید پارچه مذکوره در آن ترکند و فشرده شش نماید بعد در آن ساید هم فشرده شش  
 و فشرده شش نماید باز در آن اول بپوشد و ششش فشرده شش نماید و سینه بپوشد و فشرده شش نماید  
 بعد از آن که در آن ساید بپوشد و فشرده شش نماید و فشرده شش نماید و فشرده شش نماید و فشرده شش نماید  
 رنگ برنجی شهاب با آنکه در آن نیم قوطی در شهاب حل کرده رنگ نماید که از برنجی خود است و در  
 رنگ مذکور می زلفی آمد و سرخی زرد صاف سوز عشق است که گشش همه گو ما کون است فصل در خطا و  
 است الکراهة تزیینها محموله علی ارادة التشبه بالنساء والتکبر و تنقیه بالشفای لهما  
 تقول الایمة الثلاثة علی لبس الاحمر و غیر ابو حنیفة و مالک و الشافعی و محمد بن ابراهیم  
 لان النبی صلی الله علیه و سلم لبس کحلة الاحمر و تاویا بها بذات الخلو ط هر خود  
 و الدلیل القطعی اثبت حله و هو قولہ تعالی اخذوا منکم عند کل مسجد ان المأمور

ماخذ عام و حکم العا و اجازة علی عموم و فصل بانز و هم در بیان رنگ سرخ بپوشد که شش  
 مجلیه با آنکه در آن ساید پارچه نهند در آن شش فشرده گندمی خشک نموده بپوشند و در آن پارچه  
 رنگ مذکور می زلفی آمد و سرخی زرد صاف سوز عشق است که گشش همه گو ما کون است فصل در خطا و  
 است الکراهة تزیینها محموله علی ارادة التشبه بالنساء والتکبر و تنقیه بالشفای لهما  
 تقول الایمة الثلاثة علی لبس الاحمر و غیر ابو حنیفة و مالک و الشافعی و محمد بن ابراهیم  
 لان النبی صلی الله علیه و سلم لبس کحلة الاحمر و تاویا بها بذات الخلو ط هر خود  
 و الدلیل القطعی اثبت حله و هو قولہ تعالی اخذوا منکم عند کل مسجد ان المأمور  
 ماخذ عام و حکم العا و اجازة علی عموم و فصل بانز و هم در بیان رنگ سرخ بپوشد که شش  
 مجلیه با آنکه در آن ساید پارچه نهند در آن شش فشرده گندمی خشک نموده بپوشند و در آن پارچه  
 رنگ مذکور می زلفی آمد و سرخی زرد صاف سوز عشق است که گشش همه گو ما کون است فصل در خطا و  
 است الکراهة تزیینها محموله علی ارادة التشبه بالنساء والتکبر و تنقیه بالشفای لهما  
 تقول الایمة الثلاثة علی لبس الاحمر و غیر ابو حنیفة و مالک و الشافعی و محمد بن ابراهیم  
 لان النبی صلی الله علیه و سلم لبس کحلة الاحمر و تاویا بها بذات الخلو ط هر خود  
 و الدلیل القطعی اثبت حله و هو قولہ تعالی اخذوا منکم عند کل مسجد ان المأمور

بعد فشرده خشک نماید و بگذردی در ساند که سرخ نمیشود خواهی شد آفتاب و اندک قطعی میسر و در ساند  
 در وقت بختی القیستانی و بیشتر هم نقایه لایب المکارم لایب المسالین التوب لایب السوی  
 و مفاد ان الکراهیه تدریجیه که در صورتی القیستانی با سحر و انوار انوار شریقی  
 عند اطلاقه قاله الله تعالی انکسر سبلان عیاش سلاله فیها ثمانیه اقوال سبانه  
 فصل شانزدهم در میان رنگ سرخ که گزیری بینک با رنگ ماز و در ام جرمی از و بچشم  
 انوار یکجا نموده در یک نیم اندک جرمی اده صاف نموده رنگ که فصل سینه هم رنگ یکجا  
 پوسته جرمی با اماره و جرمی قدر پوست جرمی و جرمی و رنگ ماز و در جرمی از و بچشم  
 رنگ در فصل سینه هم در رنگ انوار جرمی با رنگ ماز و در جرمی از و بچشم  
 کلان سینه گرفته و از آب سائیده شیر اگر گرفته باریه از قیاد خشک سینه نموده خوب رنگ که جرمی باشد  
 خوب جوشانیده با جرمی نموده خوب در فصل سینه هم در رنگ ماز و در جرمی از و بچشم  
 و اده خشک نموده در جوشانده بجای جرمی با جرمی نموده خوب در فصل سینه هم در رنگ ماز و در جرمی از و بچشم  
 در جرمی با اماره و اده سبل یک فلوس آورده نیمه از ان سائیده با جرمی از و بچشم در رنگ خشک  
 بر ان با جرمی ماز اگر رنگ خوب نظر اند بیشتر و در بقیه سبل که داشته است با و در رنگ ماز و در رنگ ماز  
 در سبل مخلوط نموده رنگ به بعد از ان با سبال اماره جرمی اده رنگ صاف کرده رنگ سفید بوزن  
 یک نیم دام در آب سبال مخلوط کرده رنگ به خوب بستنی شود و دیگر سبل جاز باشد ادر آب سائیده  
 با جرمی از ان رنگ کند بعد از سبال جرمی اده سبال نموده که دارد و بچشمی از آب سائیده  
 در ان با جرمی اشوب کرده فشرده خشک کند با جرمی اشوب اده خوب سائیده در آب آمیز و در ان با جرمی  
 شوبیه و فشرده خشک کند با جرمی اده فشرده خشک کند و رنگ سبال مطبوخ نکند که اده فشرده خشک  
 کند لکن هر چه که رنگ او باشد فشرده خشک کرده باشد و دیگر اصل با جرمی ادر در جرمی رنگ و در سدر  
 صابون رنگ ساز و در ان بعد بوق نموده سبال کاغذی رنگ آمیز مشوب و در فشرده خشک کند که رنگ  
 بستنی خواهد شد فصل بیست و یکم در رنگ ماز و در جرمی از و بچشم با جرمی از و بچشم

کبریا مخصوص شد او را زرد رنگ کند لکن اگر کف بریزد چنان بد گویند شکر که در دستش نهد  
 کف سفید است و اگر کف نهد زرد رنگ شود و اگر کف نهد زرد رنگ شود و اگر کف نهد زرد رنگ شود  
 آید و در کف کبریا رنگ از طرف کبریا که سر باشد فصل است و در هر سه رنگ در آن باره  
 یعنی فصل اول در دو ساله لکن برمی در آید و البته خوب شویید و نگاه دار و بچگری هرگز نکند و زرد  
 سائیده در آب گشت آثار آن در کف خوب شویید و لکن در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 و در باره شش چهار و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 کرده اند و در هر سه رنگ هم سواد کرده و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 از آن در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 باشد شش رنگ باره و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 کرده و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 باز و آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 اندازیم با وجود سائیده صاف کرده باشد که موگیا نهند رنگ خواهد شد فصل است چهارم در رنگ کبریا  
 بسیار آید یک با او از دو و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 داده صاف نموده باره از آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 خشک کند پس آید بچگری سائیده آینه باشد باره شوب و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 که رنگ او باشد فشرده خشک شود و رنگ او باشد مسلوله در چهار است که با سبب آن که آن  
 در بسیار آید که آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 در میان آن که غیر زنی اول باره و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید  
 طیار سازند و بعد از رنگ طیار سازند و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید و در آن آید

نگارخانه وادارنگ خطی و در هر یک از این رساله ها و فصول و کتابها که در این رساله مذکور است

خانم الطبع الهی و در سال اول از این رساله نیز نگارنگاری که در این رساله مذکور است  
که این رساله در تاریخ ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز در مطبعه مطبوعه چاپ گردید

فهرست رساله ها و فصول این کتاب به شرح ذیل

فصل ۱ در بیان رنگ سبز	۱	فصل ۲ در بیان رنگ زرد گران	۲	فصل ۳ در رنگ کردن پوست و سایر درزها	۳
فصل ۴ در بیان رنگ سرخ	۴	فصل ۵ در بیان رنگ آبی	۵	فصل ۶ در بیان رنگ سفید	۶
فصل ۷ در بیان رنگ سیاه	۷	فصل ۸ در بیان رنگ نقره ای	۸	فصل ۹ در بیان رنگ طلای خانی	۹
فصل ۱۰ در بیان رنگ خوب	۱۰	فصل ۱۱ در بیان رنگ قهوه ای	۱۱	فصل ۱۲ در بیان رنگ بادامی	۱۲
فصل ۱۳ در بیان رنگ کرم	۱۳	فصل ۱۴ در بیان رنگ نارنجی	۱۴	فصل ۱۵ در بیان رنگ اوکراینی	۱۵
فصل ۱۶ در بیان رنگ ارغوانی	۱۶	فصل ۱۷ در بیان رنگ سبز آبی	۱۷	فصل ۱۸ در بیان رنگ کاکردی	۱۸
فصل ۱۹ در بیان رنگ دورخ	۱۹	فصل ۲۰ در بیان رنگ پسته ای	۲۰	فصل ۲۱ در بیان رنگ ماریخی	۲۱
فصل ۲۲ در بیان رنگ کرم	۲۲	فصل ۲۳ ترکیب سایر ابر	۲۳	فصل ۲۴ در بیان سرخ کردن پارچه ها	۲۴
فصل ۲۵ در بیان رنگ کرمی	۲۵	فصل ۲۶ در بیان رنگ کرمی	۲۶	فصل ۲۷ در بیان رنگ کرمی	۲۷

مشتمل بر این کتاب که در قانون ۱۳۰۰ هجری قمری در شهر تبریز در مطبعه مطبوعه چاپ گردید  
و در هر یک از این رساله ها و فصول و کتابها که در این رساله مذکور است



مطبعه مطبوعه  
تبریز